

بررسی میانجی‌گری بعنوان شیوه‌ای برای حل و فصل اختلافات در دیوان بین‌المللی حاکمیت در ورزش

کیوان شعبانی مقدم^{۱*}، ابوالفضل فراهانی^۲

(تاریخ دریافت: ۹۴/۰۸/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۲۸)

چکیده

با توسعه چشمگیر ورزش در دهه‌های اخیر و تبدیل آن به یک صنعت بزرگ و پرمخاطب، مباحث حقوقی مربوط به آن نیز غامض‌تر و پیچیده‌تر شده‌اند. عرصه ورزش با توجه به شرایط و مقتضیات منحصرنفرده خویش، از قواعد حقوقی ویژه‌ای برخوردار است که در بسیاری از ابعاد اساساً آن را از دادگاه‌ها و محاکم عمومی متمایز می‌سازد. رویه میانجی‌گری از نیمه دهه هفتاد میلادی، با تمسک به روش‌های غیر کیفری برای حل اختلافات شکل گرفت و نظام عدالت کیفری را تحت تأثیر قرار داد. وجود میانجی‌گری در محاکم ورزشی نوعی مزیت برای ورزش است که طرفین بدون حضور در مجامع رسمی دادگاهی، مشکلات خود را با منطق و عدالت در بین خود حل و فصل می‌کنند. با چنین رویکردی، دیوان بین‌المللی حاکمیت در ورزش با هدف فراهم نمودن ابزاری سریع و کم‌هزینه برای حل اختلافات عرصه ورزش ایجاد شده است. این مقاله به تبیین و معرفی میانجی‌گری و مزایای استفاده از آن در ورزش می‌پردازد.

کلید واژه‌ها:

میانجی‌گری، عدالت کیفری، دیوان بین‌المللی حاکمیت در ورزش (CAS)

مقدمه

میانجی‌گری از دوران بسیار قدیم وجود داشته و مورخان اولین موارد آن را در تجارت فینیقی‌ها ذکر کرده‌اند. برخی منابع آغاز آن را در یونان باستان ذکر کرده‌اند و پس از آن در تمدن روم بوده است. رومی‌ها برای میانجی‌گران نام‌های گوناگونی داشته‌اند که از آن جمله می‌توان به متوسط، شفاعت، میانجی، نیکوکار و در نهایت واسطه اشاره کرد. برنامه‌های میانجی‌گری از نیمه دهه هفتاد قرن بیستم نظام عدالت کیفری را تحت تأثیر قرار داد. نخستین بار در سال ۱۹۷۷ با ابتکار یکی از ماموران تعلیق مراقبتی در کشور کانادا جلوه‌گر شد و سپس به شهرهای دیگر کانادا و آمریکا منتقل شد (سماواتی، ۱۳۸۵). افلاطون فیلسوف بزرگ نیز در نوشته‌های خود به تاسیس داوری که مستقل از حکومت بوده اشاره نموده است. داوری در شبه جزیره عربستان نیز یکی از معمول‌ترین روش‌های ترک مخاصمات اشخاص و قبیله‌ها پیش از ظهور دین مبین اسلام بوده است. عرب [پیش از اسلام] را دینی نبود که به احکام آن رجوع کند، پس اهل شرف و راستی و امانت و سروری و سالخوردگی و بزرگواری و آزمودگی را حکم قرار می‌دادند» (حسینی، ۱۳۸۷). داوران براساس عرف جاریه پس از ارجاع موضوع، رای خود را که برای طرفین لازم‌الاجرا بوده صادر می‌نمودند.

میانجی‌گری یکی از مهم‌ترین شیوه‌های حل اختلافات است که اختلافات را در خارج از دادگاه‌های دولتی به صورت خصوصی و محرمانه و همچنین، سریع و ارزان‌تر نسبت به دادگاه‌های دولتی حل و فصل می‌کند. با افزایش اختلافات و اقدام برای رفع این اختلافات در دادگاه‌های عمومی دولتی که علاوه بر هزینه‌های زیاد و صرف زمان بسیار، به نتیجه مطلوب نمی‌رسد، افراد اغلب دوست ندارند که اختلافات خود را با مراجعه به محاکم عمومی علنی کرده هزینه زیاد را برای دادرسی صرف کنند. گاهی رابطه افراد چه از نظر کاری و چه از نظر خانوادگی ایجاب می‌کند که این اختلافات در بین خود ایشان حل و فصل شود، پس با توجه به این موارد، نیاز به یک راه‌حل برای رفع این

مشکلات احساس می‌شود و چه راهی بهتر از میانجی‌گری بین افراد با وجود یک شخص بی طرف و عادل که هر دو طرف او را قبول دارند. تعاریف گوناگونی برای میانجی‌گری بیان شده است: میانجی‌گری روشی است که طرفین اختلاف به کمک شخص ثالث به دنبال رسیدن به توافق مشترک هستند (استنلو^۱، ۱۹۷۲). اما در یک تعریف جامع، میانجی‌گری یعنی رویه‌ای که طرفین از طریق آن و با کمک شخص ثالثی به نام میانجی در پی یافتن راه‌حل دوستانه‌ای برای اختلافات خود هستند، این رویه اساساً به خاطر ماهیت غیررسمی‌اش و نیز، کنترل طرفین بر اقدامات و عدم لازم‌الاجرا بودن توافق‌نامه‌های امضا شده توسط طرفین، اهمیت دارد (شعبانی مقدم، ۱۳۹۳). میانجی در واقع یک تسهیل‌کننده است که هدفش نزدیک کردن مواضع متفاوت طرفین به یکدیگر به منظور دستیابی به مصالحه دوستانه است. با این حال، میانجی نمی‌تواند یک راه‌حل را تحمیل نماید. میانجی مستقل از طرفین عمل می‌کند. نیازی نیست که فرد میانجی آموزش حقوقی دیده باشد، بلکه توانایی او بعنوان یک فرد مذاکره‌کننده کفایت می‌کند (مصلحی و صادقی، ۱۳۸۳). در روش میانجی‌گری، فضایی ایجاد می‌شود که بزه‌دیده و بزه‌کار بتوانند به صورت رودررو، بدون هر گونه فشار و اعمال نظر دستگاه کیفری با یکدیگر گفت‌وگو نمایند؛ بزه‌کار از چگونگی وقوع جرم و دلایل و انگیزه‌های خود از ارتکاب آن؛ و بزه‌دیده از خسارت وارد ناشی از بزه‌دیدگی و نیازها و خواسته‌های خود سخن گفته و روند سازش و حل و فصل اختلافات را پی‌گیری می‌نمایند. در این بین شخص ثالثی که بی طرف و فاقد منافع در ماجرا است (میانجی) جریان گفت‌وگو را هدایت و مدیریت می‌کند. میانجی‌گر که عضوی از جامعه مدنی است، در فرایند میانجی‌گری سعی می‌کند طرفین را در ارتباط باهم قرار دهد و زمینه دیدار، گفت‌وگو و مذاکره و طرح مطالبات و خواسته‌های متقابل آن‌ها را فراهم کند؛ دیدگاه‌ها و مشکلات آن‌ها را به زبان دیگری

پرونده CAS به مقر آن واقع در لوزان سوئیس ارجاع شد. امروزه شعبه المپیک CAS یعنی ICAS دارای ۲۰ عضو است که همگی از داوران و قضات سطح بالا هستند و اعضای آن نمایندگان فدراسیون‌های بین‌المللی المپیک‌های تابستانی و زمستانی، IOC، کمیته‌های ملی المپیک و ورزشکاران می‌باشند. افزون بر این، چهار تن از اعضا باید همیشه مستقل از این نهادها باشند، بنابراین بهترین ترکیب ممکن برای نمایندگی انتخاب شده است (شعبانی مقدم، ۱۳۹۳). امروزه روش‌های رایج برای حل اختلافات در ورزش بسیار پیچیده‌اند و اغلب اختلافات از طریق کمیته بین‌المللی المپیک، فدراسیون‌های بین‌المللی ورزشی (مانند فیفا و یوفا)، مجمع بین‌المللی حکمیت در ورزش (ICAS) و دیوان حکمیت در ورزش (CAS) حل می‌شود (نفزیگر^۴، ۲۰۰۲). خوشبختانه در سال‌ها اخیر، تعداد بیشتری از سازمان‌های ورزشی شروع به استفاده از میانجی‌گری برای حل اختلافات خود کرده‌اند. برای مثال، وسترن آتلانتیک کنفرانس و ۱۲ کنفرانس بزرگ، از میانجی‌گری برای حل اختلافات استفاده و تعداد زیادی پرونده را کمتر از یک ماه به سرانجام رسانده‌اند، درحالی‌که حل آنها از طریق دادگاه نیازمند صرف زمان و مقادیر زیادی پول بود. واردسازی رویه میانجی‌گری به ورزش، ابتکاری مهم است، زیرا این رویه بطور طبیعی موجب بسط قوانین حاکم بر بازی جوانمردانه و روح تفاهم و نیز محافظت از این قوانین می‌شود (نیومارک^۵، ۲۰۰۰). میانجی‌گری همچنین موجب گسترش و محافظت از قوانینی می‌شود که بازی جوانمردانه و سازگار با روح ورزش را ترویج می‌کنند. انتخاب میانجی‌های متخصص ورزش سبب می‌شود اختلافات با ارائه راه‌حلی که با روح ورزش سازگارند حل و فصل شوند (نیومارک، ۲۰۰۰). یکی از اهداف میانجی‌گری، فراهم نمودن ابزاری برای اعضای خانواده بین‌المللی ورزش به منظور حل اختلافات است که نه تنها سریع بوده، بلکه کم‌هزینه نیز باشد. هر شخص حقیقی یا حقوقی که از

برای آن‌ها بازگو و شفاف نماید. این برخلاف دادخواهی است که معمولاً منازعه به نفع کسی ختم می‌شود که قوی‌ترین ادله قانونی را داشته باشد.

میانجی‌گری در ورزش از اوایل دهه هشتاد میلادی و همزمان با توسعه ورزش بین‌الملل وارد این عرصه شد. گسترش ورزش حرفه‌ای، باشگاه‌های ورزشی، فدراسیون‌ها و سازمان‌های مربوطه سبب شد که تعداد و کیفیت دعاوی و اختلافات ورزشی تغییر کند. مشکلات بوجود آمده و پیچیدگی روزافزون قوانین و کاربرد آن در ورزش و نیز، افزایش اهمیت مسابقات ورزشی و آثار رسانه‌ای و بین‌المللی آن سبب افزایش منازعات در ورزش شد. در چنین وضعیتی، کمبود یک نهاد بین‌المللی مستقل جهت رسیدگی به اختلافات به شدت احساس می‌شد (بلک‌شو^۱، ۲۰۰۰). رئیس سابق کمیته بین‌المللی المپیک، خوان آنتونیو سامارانش اولین کسی بود که ایده ایجاد یک نهاد مستقل و جداگانه که بتواند به عنوان دادگاه عالی در حیطه ورزش فعالیت کند را ارائه کرد. سپس ایده مذکور اجرایی شد و به تدریج توسعه یافت، تا اینکه در نهایت منجر به شکل‌گیری دیوان بین‌المللی حکمیت در ورزش^۲ گشت (شعبانی مقدم، ۱۳۹۳). دستیابی به موارد زیر از اهداف دیوان بشمار می‌رفت:

دسترسی آسان ورزشکاران و سایر افراد دخیل در ورزش؛
تدوین مقررات رویه‌ای ساده؛

انجام دادرسی با هزینه‌های معقول؛

ایجاد نهادی مستقل و مجزا از سیستم دادگاه‌های ملی؛
بکارگیری حکم‌ها (قضات متخصص در امر ورزش).

پس از ارائه ایده اولیه در ۳۰ ژوئن ۱۹۸۴ کمیته بین‌المللی المپیک^۳ اقدام به تشکیل CAS نمود و اولین مقررات رویه‌ای CAS ایجاد شدند. با این حال CAS یک موسسه کاملاً جدید بود و در ابتدا می‌بایست در جامعه ورزشی شناخته شود. این اتفاق در سال ۱۹۸۶ رخ داد که اولین

1 - Blackshaw

2 - Court of Arbitration for Sport

3 - IOC

4 - Nafziger

5 - Newmark

داد که گروه‌ها درخصوص اعمال رأی ازسوی آن رضایت دارند (گودروم^۲، ۲۰۱۳). در عالم ورزش گاه اتفاق افتاده که پرونده ورزشکاری مدت زمان بسیار طولانی حل نشده باقی مانده، تاجایی که حتی دوره بازی او به پایان رسیده، ولی هنوز رأی پرونده صادر نشده است. برای مثال، پرونده شکایت آدریان موتو علیه چلسی، ۱۰ سال پس از تشکیل، خاتمه یافت (ساندو^۳، ۲۰۱۵). یک برنامه جایگزین برای حل اختلافات آن است که پرونده به جایی ارجاع شود که طرفین بتوانند از طریق ارتباط با یکدیگر به راه‌حلی دست یابند، تا اینکه برایشان به شکل اجباری تصمیم‌گیری شود. این روش معمولاً سریع‌تر، ارزان‌تر و کم‌استرس‌تر از ارجاع به دادگاه است. جهان ورزش، جهانی بسیار سریع است و تمام ذینفعان، باشگاه‌ها و ورزشکاران تمایل دارند که اختلافات با حداکثر سرعت ممکن و با کمترین هزینه حل و فصل شود (هسی^۴، ۲۰۱۴). به نظر می‌رسد که میانجی‌گری بایستی سهم بزرگتری در حل اختلافات ورزشی داشته باشد و این خواست افراد دخیل در ورزش است.

از اوایل دهه هشتاد میلادی، توسعه ورزش در عرصه بین‌المللی شتاب فزاینده‌ای پیدا کرد. گسترش ورزش حرفه‌ای، باشگاه‌های ورزشی، فدراسیون‌ها و سازمان‌های مربوطه سبب شد که تعداد و کیفیت دعوی و اختلافات ورزشی تغییر کند (وانگ^۵، ۲۰۱۰). این شتاب فزاینده، ضرورت انجام اقداماتی برای همگام شدن با روند حاضر را به اثبات رساند. امروزه با رشد و توسعه ورزش حرفه‌ای، بسیاری از مردم زندگیشان را از طریق ورزش می‌گذرانند و با آگاهی جامعه از حقوق فردی، افرادی که درگیر ورزش هستند نیز منافع خود را از طریق دانش حقوق حفظ می‌کنند (تورنتون^۶، ۲۰۱۱).

میانجی‌گری در CAS:

صلاحیت انجام یک معامله حقوقی برخوردار باشد می‌تواند به میانجی‌گری CAS متوسل شود. بنابراین این امکان دادخواهی برای ورزشکاران، باشگاه‌ها، فدراسیون‌ها یا انجمن‌های ورزشی، سازمان‌دهنده‌های رویدادهای ورزشی، اسپانسرها، شرکت‌های رادیو/تلویزیونی و غیره وجود دارد. این مقاله به بررسی میانجی‌گری بعنوان شیوه‌ای برای حل و فصل اختلافات در دیوان بین‌المللی حکمیت در ورزش می‌پردازد و لزوم و ضرورت وجود و مزایای استفاده از آن را تبیین می‌نماید.

روش پژوهش

روش تحقیق در پژوهش‌های حقوقی مبتنی بر توصیف و تبیین داده‌ها و تحلیل و توجیه اطلاعات است. البته در حوزه حقوق ورزشی، مشاهدات عینی نیز از جایگاه مهمی برخوردار است. بنابراین، در این مقاله ضمن مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از اصول و قواعد علم منطق جهت توصیف و تحلیل مطالب مختلف، از تعدادی مطالعه میدانی خارجی نیز استفاده شده است.

بحث

در روزگار ما، ورزش یک تجارت بزرگ است و مقادیر متناهی پول در آن جابجا می‌شود. برآورد شده که ورزش مسئول ۳-۶ درصد تجارت کل جهان است (مک‌آولیفی و ریگری^۱، ۲۰۱۳). بنابراین چندان تعجب‌برانگیز نیست که ورزش، منبع بسیاری از اختلافات حقوقی و قانونی باشد. سازمان‌های ورزشی مدرن، سازمان‌هایی پویا هستند که افراد دخیل در آن با پیشینه، عقاید و انتظارات متفاوتی گردهم آمده‌اند، به همین دلیل، ایجاد تنش مربوط به میلیاردها دلار پول که در این حیطه درحال گردش است اجتناب‌ناپذیر است. در این زمینه اگر اختلافات به سرعت حل و فصل نشده و به طرف ثالث خارجی ارجاع شود ممکن است فرآیندی پرهزینه و زمان‌بر را ایجاد کرده و نتایج آن نیز برای هردو طرف چندان رضایت‌بخش نباشد. به این خاطر می‌توان به فرآیند حکمیت و میانجی‌گری ارجاع

2 - Goodrum
3 - Sandu
4 - Hesse
5 - Wong
6 - Thornton

بخش عمده‌ای از پرونده‌های مورد بررسی توسط CAS در سه حیطه اصلی هستند که عبارتند از: دوپینگ اختلافات مربوط به قرارداد موارد مربوط به ترنسفر.

اختلافات ورزشی را می‌توان با راه‌های ساده‌ای مانند مذاکره مستقیم یا ملاقات در حضور یک طرف ثالث (حکمت یا میانجی‌گری) حل کرد. با این حال، ساختار ویژه هر اختلاف است که روش مناسب برای حل و فصل آن را تعیین می‌کند (چرجی^۳، ۲۰۱۳). اقدام به میانجی‌گری با یک درخواست کتبی به زبان انگلیسی یا فرانسوی از سوی یکی از طرفین، یا از سوی طرفینی که تمایل دارند برای میانجی‌گری به CAS رجوع کنند، آغاز می‌شود. در رابطه با زبان نیز اگرچه اساساً دادرسی به زبان انگلیسی یا فرانسه انجام می‌شود، ولی در صورتیکه طرفین و CAS قبول کنند، می‌توان این کار را به هر زبان دیگری نیز انجام داد. درخواست باید دربرگیرنده هویت طرفین و نمایندگان احتمالی آنها، رونوشتی از توافق‌نامه میانجی‌گری و شرح مختصری از اختلاف باشد. با ارائه درخواست، طرف درخواست‌کننده باید هزینه‌های اداری تعیین‌شده توسط دفتر دیوان CAS را پرداخت کند. میانجی‌گری CAS با توافق متقابل طرفین و در غیر این صورت، توسط میانجی تعیین می‌شوند. تمام اقدامات محرمانه هستند. هیچ سند کتبی یا نوع دیگری از اسناد نگهداری نمی‌شوند، مگر اسنادی که مربوط به حل و فصل اختلافات باشند. طرفین می‌توانند نام نماینده خاصی را مشخص کنند و تمام اختیارات تصمیم‌گیری در خصوص حل و فصل اختلافات را به او واگذار نمایند. تقریباً می‌توان گفت که هیچ‌گونه محدودیت خاصی برای ارجاع موضوعات مختلف به CAS وجود ندارد. شیوه ارجاع اختلاف به CAS بدین-شکل است که طرفی که می‌خواهد اختلافی را به CAS ارجاع دهد باید درخواستی برای حکمت به دفتر دادگاه

یکی از اهداف تشکیل CAS، فراهم نمودن ابزاری برای اعضای خانواده بین‌المللی ورزش به منظور حل اختلافات است که نه تنها سریع بوده، بلکه کم‌هزینه نیز باشد (هیلی^۱، ۲۰۰۵). شرط پیشنهادی برای میانجی‌گری CAS که می‌تواند در یک قرارداد درج شود این است که هر اختلاف، مناقشه یا ادعای بوجود آمده باید به رویه میانجی‌گری ارجاع شود تا براساس مقررات میانجی‌گری دیوان حکمت ورزش (CAS) عمل شود. به منظور دادرسی بهتر در جهان ورزش، CAS شیوه‌های دیگری چون میانجی‌گری و مشاوره را نیز در اختیار مخاطبان ورزش قرار داده است. در صورتیکه رویه‌های میانجی‌گری و مشاوره قادر به خاتمه دادن به اختلافات نباشند، رویه تعیین دایره ویژه، شکل دیگری از رویه‌های پیشنهادی توسط CAS است که می‌تواند اختلافات را خاتمه دهد. رویه ویژه برای تسهیل تصمیم‌گیری سریع در خلال بازی-های مهم بین‌المللی -مانند بازی‌های المپیک- اتخاذ می‌شود.

CAS به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱. بخش حکمت معمولی که اختلافات را به روش معمولی حل و فصل می‌کند. موضوع رویه معمولی می‌تواند هر مسئله تجاری یا کاری باشد که ممکن بوده به سایر دادگاه-ها ارجاع شود، ولی بدلیل ارتباط آن با ورزش، نزد CAS آورده شده است.

۲. بخش استیناف که مسئول حل اختلافات مربوط به تصمیمات کمیته‌های انضباطی یا بخش‌های مشابه در فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی است. موضوع رویه استیناف اغلب به چالش کشیدن تصمیم‌های اتخاذ شده توسط فدراسیون‌های ورزشی است، مشروط به اینکه مقررات رویه‌ای فدراسیون، صلاحیت CAS برای استماع پرونده را مورد تایید قرار داده باشد. این رویه معمولاً به موضوعات انضباطی و پرونده‌های دوپینگ اختصاص دارد (ژاو، لینچ و چن^۲، ۲۰۱۰).

1 - Healy

2 - Zhao, Lynch & Chen

در کمیسیون حقوق ورزشی کمیته مورد بررسی قرار گرفته و حل می‌شوند. رای نهایی صادر شده درخصوص اختلاف مربوطه توسط کمیسیون حقوق ورزشی را می‌توان منحصراً به روش استیناف به دیوان حکمیت بین‌المللی ورزشی در لوزان سوئیس ارسال داشت؛ این دیوان، اختلاف را قطعاً براساس مقررات حکمیت رشته مربوطه حل و فصل خواهد نمود». در صورتیکه صلاحیت CAS از اساس نامه‌ها یا مقررات احراز شود بایستی تضمین شود که ورزشکاران یا سایر افراد مرتبط، بطور واقعی به شرط ارجاع به حکمیت وفادار خواهند بود.

مزایای میانجی‌گری در ورزش:

رویه میانجی‌گری در ورزش دارای مزایایی به شرح زیر است:

کم‌هزینه بودن: هزینه میانجی قابل مقایسه با هزینه وکیل نیست. در CAS هزینه‌های اداری معادل ۵۰۰ فرانک سوییس برای هریک از طرفین تعیین شده که شرایطی برای تخفیف هم در نظر گرفته شده است.

ساده و انعطاف‌پذیر بودن: میانجی‌گری رویه‌ای رسمی نیست. اصولاً طرفین با توافق دوجانبه میانجی خود را انتخاب کرده و قوانین حاکم بر نحوه اجرای این رویه را وضع می‌کنند.

سرعت عمل: فرایند میانجی‌گری برای یک مسئله بطور کلی زمان بسیار کمتری از فرایند حل آن مسئله از مجاری استاندارد قانونی طول می‌کشد. روند میانجی‌گری در CAS معمولاً از زمان ارائه درخواست، ۹۰ روز به طول می‌انجامد. تمدید این زمان با مجوز رئیس CAS و با ارائه دلایل معتبر امکان‌پذیر است. این چارچوب زمانی بسیار کوتاه در واقع ابزاری برای جلوگیری از مذاکره‌هایی است که به‌عنوان تاکتیک تأخیری توسط یکی از طرفین که دارای سوءنیت است استفاده می‌شود. صرف زمان کمتر به معنی صرف پول و هزینه فرصت کمتری است.

✓ محرمانه بودن: درحالی که جلسات دادگاه عمومی هستند میانجی‌گری کاملاً به صورت محرمانه باقی می‌ماند. هیچ کس به جز طرفین دعوا از آنچه اتفاق افتاده اطلاع پیدا

CAS بفرستد (برای بخش معمولی) یا درخواست رسیدگی استیناف کند (برای بخش استیناف). طرفین می‌توانند شخصاً شرکت کنند، یا وکیلی به نمایندگی از آنها در دادگاه حاضر شود. تنها شرطی که بدین منظور باید رعایت شود این است که موضوع مربوط به ورزش باشد. این شرط، موضوعاتی که تا حدی به ورزش مرتبط هستند را نیز دربرمی‌گیرد. برای مثال، اگر شخصی با مشتری خود اختلاف پیدا کند و ارتباط مشخصی بین این موضوع و ورزش وجود داشته باشد، پرونده به CAS قابل ارجاع است. ارجاع پرونده‌ها به CAS ناشی از دلایلی چون تخصص حکم‌ها، سرعت تصمیم‌گیری و هزینه پایین آن است. CAS دارای لیستی از حکم‌ها است و حکمیت برای کسی که نام او در لیست نباشد، امکان‌پذیر نیست. CAS طرفین دعوی می‌توانند موضوع را به سادگی و با نوشتن یک تقاضا، به آن ارجاع دهند و یک میانجی را از بین لیست میانجی‌های CAS انتخاب کنند، سپس میانجی، طرفین و وکلای احتمالی آنها براساس ماده ۱۰، توافقنامه را امضا کنند. لازم به ذکر است که پرونده‌ها تنها در صورتی قابل ارجاع به CAS هستند که توافق معتبری بین سازمان‌های مربوطه برای ارجاع پرونده به CAS وجود داشته باشد. توافق برای ارجاع به حکمیت، اغلب در قراردادهای تجاری، اساس نامه‌ها یا مقررات فدراسیون‌ها، موسسات یا سایر نهادهای مرتبط با ورزش وجود دارد. احکام صادره توسط دیوان بین‌المللی حکمیت ورزش زمانی قابل قبول است که در اساسنامه فدراسیون‌ها درباره آن قید شده باشد. برای مثال، در اساسنامه فیفا بندهای ۵۹ و ۶۰ به این موضوع پرداخته و حکمیت دیوان CAS را مجاز شمرده است، بنابراین اختلافات بین طرفین در ورزش در این دیوان قابل بررسی است. در کشور ما هم طبق ماده ۴۰ و دو اساسنامه کمیته ملی المپیک ایران: «کلیه اختلافات مربوط به ورزش براساس تنفیذ مجمع عمومی توسط کمیسیون حقوق ورزشی حل می‌شوند و این کمیسیون با تصویب مجمع عمومی بعنوان نهاد انضباطی، وساطتی، مصالحه‌ای و قضاوتی عمل خواهد نمود. کلیه اختلافات و شکایات ابتدا

ورزشی خود، در فرآیند میانجی‌گری و حکمیت شرکت داشتند و به خوبی از آن آگاه بودند و ۳۰ نفر هم از رأی صادره، رضایت کامل داشتند.

✓ توافق: میانجی‌گری امکان رسیدن طرفین به توافق را افزایش می‌دهد. برای یک پرونده در دادگاه که کنترل آن توسط قاضی یا هیئت منصفه صورت می‌پذیرد، طرفین ممکن است به توافق برسند اما اغلب قاضی یا هیئت منصفه از نظر قانونی نمی‌توانند راه‌حلی را که میانجی نشان می‌دهد ارائه کنند. به همین علت احتمال اینکه یک میانجی‌گر به نتیجه‌ای دست پیدا کند که طرفین بر آن توافق دارند بیشتر است. نکته مهم آن است که طرفین، خود می‌توانند راه‌حل را پیدا کنند و میانجی‌گری تنها فرآیند ارتباط طرفین را تسهیل و به آنها کمک می‌کند تا انتخاب‌های بیشتری داشته باشند. با توجه به فرآیند مشاوره‌ای مربوط به میانجی‌گری، طرفین همواره از این انتخاب برخوردارند که این فرآیند را ادامه دهند، به تعویق بیندازند یا متوقف کنند (نلسون و استپانویچ، ۲۰۰۴).

✓ رضایت: بکارگیری فرآیند میانجی‌گری در ورزش اروپا سبب شده که طرفین دعوی، استرس و فشار کمتری را نسبت به اجاع پرونده به دادگاه داشته باشند. گاهی اوقات هردو طرف دادگاه تمایل دارند که برخی اسرار حرفه‌ای آنها فاش نشود و از افشای آن در نزد یک دادگاه رسمی آبا دارند. تغییر فضای مذاکرات و انتخاب محیطی صمیمانه، به جای محیط خشک و رسمی دادگاه، احتمال کسب نتایج رضایت‌بخش را افزایش، و ترس طرفین از تحمیل یک رأی اجباری را کاهش خواهد داد.

✓ درک متقابل: در عرصه ورزش، افرادی از کشورهای مختلف با زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مختلف حضور دارند و از انتظارات، ادراکات و فنون ارتباطی متفاوتی برخوردارند. میانجی‌ها با درک این تفاوت‌ها می‌توانند به طرفین کمک کنند تا اختلافات ناشی از عدم درک متقابل را به حداقل برسانند و در نهایت، نتیجه مطلوب‌تری حاصل شود.

نمی‌کند. طرفین، میانجی و هر فرد دیگری که در اقدامات میانجی‌گری مشارکت دارد، ملزم به رعایت وظیفه خطیر رازداری هستند. بر طبق مقررات قانونی، هیچ‌یک از اطلاعات منتج شده از این اقدامات نباید در ارگان قضایی یا حکمی دیگری استفاده شود. تنها در صورتیکه یکی از طرفین در عمل به تعهداتش قصور ورزیده باشد، آنگاه می‌توان حل و فصل این موضوع را به یکی از این ارگان‌ها عرضه نمود. عقیده براینست که یکی از مزایای اصلی استفاده از میانجی‌گری برای حل اختلافات ورزشی، حل اختلافات در درون خانواده ورزش و عدم درز اخبار مربوطه به بیرون است که با توجه به کوچک بودن جهان ورزش که همه همدیگر را می‌شناسند می‌تواند بسیار ارزشمند باشد. هیچگونه اطلاعاتی که در هنگام فرآیند میانجی‌گری رد و بدل می‌شود نباید افشا گردد، مگر آنکه قانون آن را الزام نماید. میانجی‌گری کمک می‌کند که مذاکرات طرفین در فضایی مطمئن و با حفظ حریم شخصی آنها صورت پذیرد. ممکن است در دادگاه، طرفین از بیان برخی مسائل و دادن اطلاعات خوف داشته باشند، ولی میانجی‌گری، فرآیند تبادل اطلاعات را تسهیل می‌کند و طرفین می‌توانند فعالانه در فرآیند میانجی‌گری شرکت کنند (نلسون و استپانویچ^۱، ۲۰۰۴). در تحقیقی که ساندر^۲ (۲۰۱۵) از طریق مصاحبه با ۴۰ ورزشکار انجام داد، ۸۲٫۵ درصد از پاسخ‌دهندگان تمایل داشتند که از میانجی‌گری برای حل اختلافات بین آنها و باشگاه استفاده شود. همچنین ۷۲٫۵ درصد از پاسخ‌دهندگان بدلیل افشای اطلاعات و درز احتمالی اخبار در رسانه‌ها ترجیح می‌دادند که به جای حضور در دادگاه، از فرآیند میانجی‌گری استفاده کنند، زیرا حضور در دادگاه می‌توانست بر شهرت و عملکرد آنها تاثیر منفی بگذارد. البته سایر افراد هم با ارجاع به میانجی‌گری مخالف نبودند، بلکه رسانه‌ای شدن را امری مثبت در راستای شفافیت تلقی می‌کردند. نکته مهم در این تحقیق این بود که تمام پاسخ‌دهندگان، دست کم یک بار در دوره

1 - Nelson & Stipanowich

2 - Sandu

شوند. امروزه در ایالات متحده، بسیاری از کارفرمایان، باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها، با درج بندی در قرارداد خود، اختلافاتشان را به فرآیند میانجی‌گری ارجاع می‌دهند. آنها با ذکر نام یک فرد یا سازمان میانجی که مورد توافق طرفین است، اختلافات خود را به جای ارجاع به دادگاه، به صورت مرضی‌الطرفین حل می‌کنند. در برخی دیگر از کشورهای جهان هم نهادهایی برای میانجی‌گری تاسیس شده که به صورت مستقل، برای حل سریع و کم‌هزینه اختلافات عمل می‌کنند. برای مثال، در کشور کانادا، مرکز حل اختلافات ورزشی کانادا^۲ (SDRCC) که متشکل از حکم‌ها و میانجی‌های باتجربه و آگاه از قوانین و مقررات ورزش تاسیس شده که به خوبی از فضای ورزش و سیستم قانونی مربوط به آن آگاه هستند، نقش بسیار موثری در حل و فصل سریع و آسان اختلافات ورزشی داشته است.

وجود رویه میانجی‌گری در ورزش امری مهم است که به حل و فصل سریع اختلافات در فضایی دوستانه و بدون اضطراب و با صرف هزینه‌ای کم می‌انجامد. امروزه استفاده از میانجی‌گری در ورزش نه تنها در کشور ما، بلکه در سراسر جهان امری ضروری تلقی می‌شود. مسئولان سطح بالای ورزش بین‌الملل، از افزایش تقاضا برای حل اختلافات بصورت سریع، کم‌هزینه و از همه مهم‌تر، مشتمل بر فرآیند برد-برد برای طرفین آگاهند و حتی CAS که بزرگترین دادگاه حل اختلافات ورزشی در جهان است، نسبت به منافع فرآیند میانجی‌گری در ورزش اذعان دارد و منازعات ورزشی را در بالاترین سطح ورزش دنیا با رویه میانجی‌گری حل و فصل می‌کند. بنظر می‌رسد که با توجه به مشکلات و حاشیه‌های ورزش در کشور ما، بکارگیری رویه میانجی‌گری از طریق گنجاندن بندی در قراردادهای ورزشی مبنی بر ارجاع اختلافات احتمالی به یک میانجی مرضی‌الطرفین، قابل بکارگیری باشد.

✓ سازگاری با روح ورزش: میانجی‌گری روشی جایگزین برای حل و فصل اختلافات است که در کشورهای اجرا کننده آن، نتایج قابل قبولی داشته است. واردسازی این رویه به ورزش، ابتکاری مهم محسوب می‌شود، زیرا این رویه بطور طبیعی موجب بسط قوانین حاکم بر بازی جوانمردانه و روح تفاهم و نیز محافظت از این قوانین می‌شود. اختلافات ورزشی می‌تواند تاثیر منفی بر تماشاگران و همچنین، اخلاق اجتماعی بگذارد. میانجی‌گری این امکان را فراهم می‌کند که روح ورزش حفظ شود (اسلو تیک^۱، ۲۰۱۴). ارائه میانجی‌گری در ورزش موجب گسترش و محافظت از قوانینی می‌شود که بازی جوانمردانه و سازگار با روح ورزش را ترویج می‌کنند. انتخاب میانجی‌های متخصص ورزش سبب می‌شود اختلافات با ارائه راه‌حل‌هایی که با روح ورزش سازگارند حل و فصل شوند.

نتیجه‌گیری

تاریخچه حل اختلافات ورزشی و تاثیر منفی مربوط به ارجاع پرونده‌ها به فرآیند کند و پرهزینه دادگاه، نیاز به استفاده از روش‌های جایگزینی چون میانجی‌گری را نشان می‌دهد. میانجی‌گری صحنه‌ای امن، غیررسمی و مناسب برای ارتباط آزاد فراهم می‌آورد که در فضای کنونی ورزش، کمتر مشاهده می‌شود. میانجی‌گری به طرفین امکان می‌دهد که آزادانه به بیان خویش پردازند و درعین حال، مانع از افشای اطلاعات شخصی و کاری خود در فضای بیرون و رسانه شوند. بطور خلاصه، شرایط منحصر بفرد میانجی‌گری می‌تواند پاسخ مناسبی برای حل اختلافات موجود در عرصه ورزش باشد، هرچند نمی‌توان از محدودیت‌های آن غافل بود. برای مثال، در برخی موارد (مانند دوپینگ، فساد مالی و...) لازم است پرونده‌ها به دیوان حکمیت در ورزش یا دادگاه‌های رسمی ارجاع شوند تا طرف خاطی با مجازات متناسب با جرم خود مواجه

منابع

- سماواتی پیروز، امیر (۱۳۸۵). عدالت ترمیمی، تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن، تهران: نگاه بینه.
- شعبانی مقدم، کیوان (۱۳۹۳)، دیوان بین المللی حکمیت در ورزش، تهران، اندیشه های حقوقی، صص ۱۶-۲۸.
- شعبانی مقدم، کیوان. طاهری، حمیدرضا. یوسفی، بهرام (۱۳۹۲). حقوق ورزشی، انتشارات اندیشه‌های حقوقی، ۱۱۵-۱۲۶.
- حسینی، سید محمد، (۱۳۸۷)، نقش میانجی‌گری در فصل دعاوی و پاسخ دهی به نقش هنجارها، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۵، ص ۸.
- مصلحی، حسین علی و صادقی، محسن، (۱۳۸۳)، نگاهی به شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف (ADR)، نامه مفید مجله دانشگاه مفید شماره ۴۶، ص ۱۱.
- Blackshaw, I, 'Resolving sports disputes the modern way by mediation.(۲۰۰۰)'
- Champion, W. T (2004). Fundamentals of Sports Law. St. Paul, MN: Thomson/West.
- Chereji, C.R. (2013). Negociere si Mediere in Organizatii publice, București: Tritonic.
- Chereji, C.R., Pop, A.G. (2014). Community Mediation. A Model for Romania, Transylvanian Review of Administrative Sciences, no. 41 E/2014.
- Court of Arbitration for Sport, 20 Questions About the CAS, <http://www.tas-cas.org/en/20questions.asp/4-3-231-1010-4-1-1/5-0-1010-13-0-0> (last visited Oct. 7, 2009) .
- Court of Arbitration for Sport, History of the CAS, <http://www.tas-cas.org/statutes> (last visited Oct. 7, 2014) .
- Court of Arbitration for Sport, History of the CAS, <http://www.tas-cas.org/rules> (last visited Oct. 7, 2014) .
- Court of Arbitration for Sport, History of the CAS, <http://www.tas-cas.org/mediation-rules> (last visited Oct. 7, 2014) .
- Goodrum, N. (2013). Mediation In Sports Disputes: Lessons From The Uk, Lawinsport .
- Healy, D. Sport and the Law, University of New South Wales Press, 2005.
- Hesse, V. (2014). Is Mediation Suitable To Resolve Sports Related Disputes? Law in Sport.
- McAuliffe, W., Rigozzi, A. (2013). Sports Arbitration, The European, Middle Eastern and African Arbitration Review .
- Nafziger, J. (2002). Dispute Resolution In The Arena Of International Sports Competition, The American Journal Of Comparative Low, American Society Of Comparative Low, Vol. 50.
- Nafziger, J. (2009). Sport, Mediation and Arbitration, T.M.C. Asser Press.
- Nelson, N., Stipanowich, T. (2004). Commercial Mediation in Europe: Better Solutions for Business, International Institute for Conflict Prevention&Resolution.
- Newmark, C, 'Is mediation effective for resolving sports disputes?' (2000) International Sports Law Journal 37.
- Slotnik, S. (2014). Arbitrate or Mediate but don't Litigate Entertainment Disputes .
- Stenelo L.G, Mediation in International Negotiations, Lund, Student Litterature, 1972.
- Zhao, X. , Lynch, J. G. , & Chen, Q. (2010) Reconsidering Baron and Kenny: Myths and Truths about Mediation Analysis. Journal of Consumer Research, 37, 197-206.

The Study of Mediation as a way to resolve legal disputes in the Court of Arbitration for Sport

K.shabani Moghaddam*¹, A.Farahani²

(Received: 18 November 2015 Accepted: 18 January 2016)

Abstract

significant development of sport in recent decades and its emergence as a huge industry, Leads to complexity of Legal issues in sport. Regarding its unique characteristics, sport has some special rules that make it eminent and distinguished from the other laws and courts. Since the mid of 1970s, mediation has been established by using noncriminal ways to resolve disputes and influenced the criminal justice system. Mediation in sports courts is a kind of benefit in which both sides resolve their disputes through deliberation without attending in a formal court. The court of arbitration for sport has been established by using this approach to provide a fast and low cost method to resolve disputes in the field of sport. This article is addressing introduction and explanation of mediation and its benefits in the field of sports.

Keywords

mediation, criminal justice, the Court of Arbitration for Sport.

1. Assistant Professor of Sport Management, Razi University, Kermanshah, (Corresponding Author)

Email: keivanshabani2015@gmail.com

2. Professor of Sport Management, Payame Noor University